

تجزیه و ترکیب سوره های حمد، توحید، قدر

۱- تجزیه و ترکیب سوره حمد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۱) الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۲) الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۳) مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ (۴) إِيَّاكَ نَعْبُدُ
وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ (۵) اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (۶) صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا
الضَّالِّينَ (۷).

الف: تجزیه: «بِسْمِ اللَّهِ»: «باء»، حرف ابتداء. «اسم» بر وزن حبر، اسم ثلاثی مجرد. «الله»: در اصل «أل إله» بود، بعد از آن که همزه «الاه» را حذف کردند الف و لام را عوض آن قرار داده و بعد لام را در لام ادغام کردند و آن را «الله» خواندند. بنابراین، «الاه» بر وزن فعال اسم جلاله است و بر غیر خدای متعال گفته نمی شود، الف و لام آن هم عوض از همزه است نه تعریف؛ زیرا «الاه» اسم علم است و چون خود معرفه است، الف و لام تعریف نمی پذیرد. «الرحمن الرحيم»: الف و لام در هر دو واژه برای تعریف است. «رحمان» بر وزن «فعلان» صیغه مبالغه، و «رحيم» بر وزن «فعليل» صفت مشبیه است. «الحمد»: الف و لام برای استغراق جمیع افراد جنس و معنای آن شمول افراد حمد و ستایش است و «حمد» بر وزن فليس اسم ثلاثی مجرد است. «الله»: لام حرف جرّ و برای اختصاص است. «رب» بر وزن فليس اسم ثلاثی مجرد. «العالمين»: الف و لام برای تعریف است. «عالمين» جمع عالم، و عالم نیز جمعی است که مفرد از ماده خود ندارد. «مالک» را اگر «مَلِك» بخوانیم بر وزن کتف اسم ثلاثی مجرد است، ولی اگر «مالک» بخوانیم اسم فاعل از ماده «مَلِك يَمَلِك» می باشد. «یوم»: اسم ثلاثی مجرد بر وزن فليس است. «الدین»: الف و لام آن برای تعریف، و «دین» در اصل «دین» بر وزن حبر اسم ثلاثی مجرد بود، و او آن بخاطر کسره دال قلب به یاء شده است. «إِيَّاكَ»: ضمیر منفصل مخاطب. «نَعْبُدُ»: فعل مضارع، ثلاثی مجرد، متکلم مع الغیر، از ماده عَبَدَ، يَعْبُدُ، صحیح و سالم. «و»: حرف استیناف. «نَسْتَعِينُ»: فعل مضارع، متکلم مع الغیر، ماده اصلی «عَوْنٌ، اجوف واوی، و از باب استفعال؛ اسْتَعَانَ، يَسْتَعِينُ». «اهْدِنَا»: فعل امر از ماده «هَدَى، يَهْدِي» و ناقص یایی. «نَا»: ضمیر متصل، متکلم مع الغیر. «الصِّرَاطَ»: الف و لام برای تعریف. «صِرَاطَ» بر وزن فعال اسم ثلاثی مزید فیه. «الْمُسْتَقِيمَ»: الف و لام تعریف، «مُسْتَقِيمٌ» اسم فاعل از باب استفعال، از ماده «قوم، يقوم» و اجوف واوی. «الَّذِينَ»: از موصولات اسمی، جمع مذكر. «أَنْعَمْتَ»: فعل ماضی، صیغه مفرد مخاطب از باب افعال، ماده اصلی «نَعَمٌ»، صحیح و سالم. «عَلَيْهِمْ»: علی: حرف جر، هُم، ضمیر جمع مذكر غایب. «غَيْرِ»: اسم ثلاثی مجرد بر وزن «فلس» «الْمَغْضُوبِ»: الف و لام موصوله، مغضوب، اسم مفعول از ماده غضب، صحیح و سالم. «و»: حرف عطف. «لَا الضَّالِّينَ»: «لا» حرف نفی. الضالین: الف و لام موصوله، ضالّین، اسم فاعل از ماده ضَلَّ، يَضِلُّ و مضاعف.

ب: ترکیب: «بِسْمِ» جار و مجرور و متعلق به ابدء؛ یعنی «أَبْدُ بِسْمِ اللَّهِ». «اللَّهُ» مضاف الیه اسم. «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» دو صفت برای الله. «الْحَمْدُ»: مبتدا، «لِلَّهِ» جار و مجرور متعلق به «ثَابِتٌ» فعلی از افعال عموم. «رَبِّ الْعَالَمِينَ» مضاف و مضاف الیه و صفت برای «الله». جمله «الله رب العالمين» نیز خبر برای «الحمد» ی که مبتدا است. هر یک از «الرَّحْمَنِ» و «الرَّحِيمِ» صفت جداگانه ای هستند برای «الله» و به ظاهر تأکیدی هستند برای «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» در بسم الله الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» مضاف و مضاف الیه، موصوف. «الدِّينِ» صفت و همه «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»

صفت است برای «الله». «إِيَّاكَ» ضمیر مخاطب و مفعولِ مقدم برای «نَعْبُدُ» و «نَعْبُدُ» فعل و فاعل. مقدم شدن مفعول بر فعل بخاطر حصر عبادت در خصوص الله است. «إِيَّاكَ» ی دوم نیز مفعولِ مقدم است برای «نَسْتَعِينُ»، و نستعین نیز فعل و فاعل است. مقدم شدن این مفعول بر فعل خود نیز بخاطر حصر استعانت است در خصوص الله. «اهْدِنَا»: فعل امر است همراه با فاعل و مفعولِ اول. «الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» صفت و موصوف، مفعول دوم است برای «اهْدِنَا». «صِرَاطَ» دوم موصوف. «الَّذِينَ» موصول. «أَنْعَمْتَ» فعل و فاعل. «عَلَيْهِمْ» جار و مجرور متعلق به «أَنْعَمْتَ» است. اکنون «أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» صله است برای «الذین» و «الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» صفت است برای «صِرَاطَ»، و «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» عطف بیان است برای «الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ». «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ» مضاف و مضاف الیه، صفت برای ضمیر «هُم»، «عَلَيْهِمْ» دوم جار و مجرور متعلق به «الْمَغْضُوبِ». «وَلَا الضَّالِّينَ» عطف بر «الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ».

ترجمه: به نام خدای گسترده رحمت و مهربان. همه ستایش های انجام شده در جهان ویژه آن خدایی است که پروردگار جهانیان است. او گسترده رحمت و مهربان و مالک روز جزا است. ما فقط تو را پرستش می کنیم و فقط از تو کمک می طلبیم، ما را به راه راست هدایت کن؛ راه آن کسانی که به آنان نعمت داده ای نه آنان که مورد خشم تو اند و نه آنان که گمراه شده اند.

۲- تجزیه و ترکیب سوره توحید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (۱) اللَّهُ الصَّمَدُ (۲) لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ (۳) وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (۴)

الف: تجزیه: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»: همانی است که قبلاً در سوره حمد گفتیم. «قُلْ» فعل امر از ماده «قال، يقول»، اجوف واوی است، در اصل تقول، بعد قول و در آخر قل شده است. «هو» ضمیر منفصل مرفوع، مفرد مذکر. «اللَّهُ» همانی است که در سوره حمد گفتیم. «أَحَدٌ»: اسم ثلاثی مجرد بر وزن فَرَسٌ. «الصَّمَدُ»: الف و لام تعریف، «صَمَدٌ» اسم ثلاثی مجرد بر وزن فَرَسٌ. «لَمْ يَلِدْ»: فعل جحد معلوم، مفرد مذکر، از ماده «وَلَدَ، يَلِدُ»، مثال واوی. «وَلَمْ يُولَدْ»: «واو» حرف استیناف. «لَمْ يُولَدْ»: فعل جحد مجهول. «وَلَمْ يَكُنْ»: «واو» جرف استیناف. لم یکن، فعل جحد، از ماده «کان، یكون»، مفرد مذکر، اجوف واوی. «لَهُ»: لام حرف جرّ، «ه» ضمیر متصل مرفوع است. «كُفُوًا» را «كُفُوًا» و «كُفُوًا» هم خوانده شده و هر سه قرائت بر وزن «عُنُقٌ وَ قُفُلٌ» از اسماء ثلاثی مجرد اند.

ب: ترکیب: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» همانی است که در سوره حمد گفته شد. «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»: «قل»، فعل امر و فاعل. «هو» ضمیر شأن و مبتدای اول. «الله» مبتدای دوم. «أحدٌ» خبر مبتدای دوم. «اللهُ أَحَدٌ» مبتدا و خبر، خبر مبتدای اول. «هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»؛ مبتدای اول با خبر آن، در محل نصب است تا مقول قول، یا یا مفعول برای قل باشد. «اللَّهُ الصَّمَدُ» مبتدا و خبر؛ یک جمله اسمیه

مستقل. «لَمْ يَلِدْ» فعل و فاعل؛ یک جمله فعلیه مستقل. «وَأَمْ يُؤَلَّدُ» هم فعل و نائب فاعل؛ یک جمله فعلیه مستقل. «وَأَمْ يَكُنْ» فعل ناقصی که نیازمند اسم و خبر است. «أَحَدٌ» اسم لم یکن است و بخاطر رعایت سجع آیات مؤخر از خبر آورده شده است. «لَهُ» جار و مجرور متعلق به لم یکن. «كُفُّوا» خبر لم یکن. ممکن است بگوییم اصل این جمله «وَأَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُّوا أَحَدٌ» و در هر حال این آیه نیز یک جمله فعلیه مستقل است.

ترجمه: به نام خدای گسترده رحمت و مهربان، بگو: حقیقت این است که خدا یگانه است، خدای بی نیازی که مقصود همگان است، فرزند یباروده و فرزند کسی نیست و هیچ کس همتای او نبوده و نمی باشد.

۳- تجزیه و ترکیب سوره قدر:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ (۱) وَ مَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ (۲) لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ (۳) تَنزِيلُ الْمَلَكَةِ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِم مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ (۴) سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطَلَعِ الْفَجْرِ (۵).

الف: تجزیه: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» قبلاً در سوره حمد تجزیه و ترکیب شده است. «إِنَّا»: در اصل «إِنَّ و نا» بوده؛ «إِنَّ» از حروف مشبیهه بالفعل و «نا» ضمیر متکلم مع الغیر است. «أَنْزَلْنَا»: فعل ماضی، متکلم مع الغیر از باب افعال و از ماده «نَزَلَ» صحیح و ثلاثی مزیدفیه. «هُ» ضمیر مفرد مذکر غایب. «فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»: «فی» حرف جر. «لَيْلٍ» بر وزن فِلس اسم ثلاثی مجرد. «تا» علامت تأنیث کلمه. «القدر» الف و لام حرف تعریف. «قدر» بر وزن فِلس اسم ثلاثی مجرد. «وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ»: «واو» حرف استیناف. «ما» استفهامیه. «أدري» فعل ماضی از باب افعال، در اصل «أَدْرَى» بوده مانند أَكْرَمَ و مجرد آن «دَرَى، يَدْرَى» فعل ناقص یایی است. «مَا أَدْرَاكَ» گرچه از باب افعال است ولی بر حسب کتب لغت به معنی لازم (ماتدری) است. «ک» ضمیر مفرد مخاطب. «ما» موصوله. «لَيْلَةُ الْقَدْرِ» قبلاً گفته شد. «خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ»: «خیر» افعال تفضیل، اصل آن أَخْيَرُ بر وزن افعال. «من» حرف جر. «ألف» اسم عدد، «شهر» بر وزن فِلس، اسم ثلاثی مجرد. «تَنْزِيلٌ» فعل مضارع از باب تَفَعُّلٌ، در اصل «تَنْزَلُ» بوده که تاء آن بخاطر تخفیف حذف شده و مجرد آن «نَزَلَ»، فعل صحیح و سالم است. «الْمَلَكَةُ» جمع مَلَكٌ بر وزن فِرس، اسم ثلاثی مجرد است. «وَالرُّوحُ» واو حرف عطف. «الروح» الف و لام تعریف. «رُوح» در اصل رُوح بر وزن فِلس بوده و اسم ثلاثی مجرد است. «بِإِذْنِ»، با حرف جر، «إِذْنٌ» بر وزن حَبْر، «رَبِّ» در اصل رَبِّبٌ بر وزن فِرس، «كُلِّ» در اصل كَلَّلٌ بر وزن عُنُقٌ، «أَمْرٍ» بر وزن فِلس، هر چهار واژه اسم ثلاثی مجرد می باشند. «سلام» بر وزن فعال، مصدر باب تفعیل. «هی» ضمیر منفصل، مفرد مؤنث. «حتی» حرف جر. «مَطَلَعٌ» اسم زمان از ماده طَلَعٌ، يَطْلَعُ. «الْفَجْرِ» الف و لام تعریف. «فجر» بر وزن فِلس اسم ثلاثی مجرد.

ب: ترکیب: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» قبلاً ترکیب شده است. «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»؛ «إِنَّ» از حروف مشبیهه بالفعل. «نا» اسم آن. «أَنْزَلْنَاهُ» فعل و فاعل و مفعول. «فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»: جار و مجرور و مضاف و مضاف الیه، متعلق به «انزلنا» و جمله «أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»، جمله فعلیه، خبر

برای «إِنَّ». «وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ»: «مَا» استفهامیه و مبتداء است. «أَدْرَاكَ»، بر حسب ظاهر فعل و فاعل و مفعول است که به معنی لازم استعمال شده و به معنی «ما تدری» می باشد. جمله «مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ» نیز در محل رفع است تا خبر برای مبتداء باشد. «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ»: لَيْلَةُ الْقَدْرِ، مضاف و مضاف الیه و مبتداء اند. «خَيْرٌ»: افعال تفضیل است. «مِّنْ أَلْفِ»: جار و مجرور و متعلق به «خیر» است. «أَلْفِ شَهْرٍ»: مضاف و مضاف الیه است، و جمله «خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ» خبر است برای «لَيْلَةُ الْقَدْرِ» که مبتداء است. «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ»: فعل و فاعل. «وَالرُّوحُ»: عطف به فاعل. «فِيهَا»: جار و مجرور متعلق به تنزل. «بِإِذْنِ»: جار و مجرور متعلق به تنزل. «رَبِّهِمْ»: مضاف و مضاف الیه. «مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ»: جار و مجرور متعلق به تنزل. «أَمْرٌ»: مضاف الیه کل. «سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطَلَعِ الْفَجْرِ»: «سَلَامٌ»: مصدر و مبتدای اول. «هِيَ»: ضمیر قصه و مبتدای دوم. «حَتَّى مَطَلَعِ»: جار و مجرور متعلق به یکی از افعال عموم (ثابت). «الْفَجْرِ»: مضاف الیه مطلع، جمله «حَتَّى مَطَلَعِ الْفَجْرِ» خبر مبتدای دوم، و مبتدای دوم با خبر آن، خبر است برای مبتدای اول (یعنی سلام).

ترجمه:

به نام خداوند رحمتگر مهربان

ما [قرآن را] در شب قدر نازل کردیم. و از شب قدر چه آگاہت کرد. شب قدر از هزار ماه ارجمندتر است. در آن [شب] فرشتگان با روح به فرمان پروردگارشان برای هر کاری [که مقرر شده است] فرود آیند. [آن شب] تا دم صبح صلح و سلام است.